

نیرنگ پاکستان، سیاست آمریکا و مظلومیت مردم افغانستان

در حاشیه ی دهمین سالی حضور قوای آمریکا در افغانستان

بخش سوم

پژوهشی از (صبح)

مردم ستیزی و قانون گریزی در حاکمیت دولتی



گروپهای منفعت طلب و روز گذران، چیاولگر و فساد پیشه، زورگوی و قانون شکن، تفنگدار و جنگ سالار، قاجاقر و قاجاچی . . . در داخل رهبری دولت کرزی در این چند سال تا جایی که توانستند به قانون شکنی روی آوردند و تا توانستند با نشانه های دموکراسی در افغانستان مقابله کردند و نقض حقوق بشر را گسترش دادند. عقب نشینی از برنامه ی عدالت انتقالی، تقلب در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان، افزایش سانسور رسانه ها و خبرنگاران و رسانه های خبری همه و همه نشان از این است که این رژیم به هیچ وجه با دموکراسی و حقوق بشر اعتقادی ندارد.

کمتر روزی است که در رسانه های داخلی و خارجی، از حملات انتحاری، انفجارات و یا حملات راکتی، به یکی از نقاط کشور، خبر ندهند. در حالیکه انتظار می رفت با شروع به کار دور دوم پارلمان، دولت، به بخشی از چالش های موجود در مقابل خود، فایق آید، اما دیده می شود که بیماری صعب العلاج، بی قانونی، ماجراجویی، جنگ سالاری، باند و باند بازی و لجابت و نافهمی ولسی جرگه، کارشکنی و قانون گریزی دولتمداران و تشدید نا امنی ها، باعث ایجاد چالش عمده ای در مقابل دولت، شده است. کابل پایتخت کشور که در آن نیروهای پرشمار داخلی و خارجی تامین کننده

امنیت، وجود دارند نیز از گزند نا امنی ها، مصئون نمانده و بطور بی سابقه و دومیار مورد حملات انتحاری و فیر راکت قرار می گیرند. درگیری وبی نظمی ها نشان می دهد که امنیت، روز به روز خراب تر شده می رود. بدیهی است که دولت باچنین شیوه و رفتار به حل مشکلات فایق آمده نمیتواند، در تطبیق پروسه های باز سازی و نوسازی، به کامیابی نخواهد رسید. در کشوری که تمام زیر ساخت های اجتماعی و اقتصادی آن، در دوران جنگ تنظیمی و شاخمالی افراطیون بنیادگرا تخریب شده و مردم کشور، برای قادر شدن به گذران زنده گی آبرومندانء خویش، نیاز شدید به خدمات اجتماعی، قانونمداری، دلسوزی، دلجویی، مواظبت دایمی، امنیت سراسری و کار در راستای باز سازی دارند، تامین امنیت، بهبود زنده گی اجتماعی و کوتاه نمودن دست سران جنگ و تفنگ از یخن مردم - ضرورت مبرم و تاخیرناپذیر به حساب می آید. در صورتیکه این مشکلات بطور عاجل مرفوع نگردد بسیار مشکل خواهد بود تا حرکت های لازم دیگر، در عرصه های خدمات اجتماعی، باز سازی و احیای مجدد صورت بگیرد.

کرزی که اغلب، در سخنرانی هایش از بازسازی و کارکردهای دولت سخن می گوید، در سفر های خویش، با اینکه کوشش می کند تا در جلب اعتماد مردم، از کارکردهای دولتش چیزی بگوید، اما نمی تواند منکر وضعیت نا بسامان امنیتی گردد. دامنه نا امنی ها در سراسر کشور روز به روز گسترش می یابد.

همین اکنون برای بیشتر مردم سرنوشت گروههای مختلف سیاسی مهم نبوده و نیست چون بارها و بارها بر سر آبرو و عزت آنها با عناوین مختلف زیبا و فریبنده معامله صورت گرفته است. و مردم در مقاطع مختلف مظلوم و تنها قربانی امیال و هوسهای گوناگون افراد و گروههای مختلف تنظیمی، نظامی و سیاسی شده اند بدون اینکه در زنده گی سراسر پریشانی و مشقت بار آنها تغییر مثبتی صورت گیرد. منتها هرگاه که جنک بر سر منافع و به دست آوردن قدرت صورت می گیرد کسانی که بیش از همه ضرر می کنند و قربانی می شوند، مردم هستند که در کوران حوادث همواره باید تاوان خود خواهیها و قدرت طلبی های رهبران و قوماندانان تنظیمی را بپردازند.

موجودیت افراد تنظیمی، بی بندوبار، دزد، چپاولگر و ناآگاه در حاکمیت، پروسه بازسازی و ثبات سیاسی و امنیتی کشور را بیشتر از گذشته ها یعنی بعد از سرنوینی "طالبان" توسط امریکا به چالش بکشاند. اینجا است که اعتماد عمومی به کرزی با گذارش هائی از دزدی توسط پولیس، فروش کرسی عای بالای دولتی به ثروتمندان و قاچاقچیان، افزایش قاچاق مواد مخدر و غرق شدن پول های کمی رو به زوال گذاشته است.

پرسشی که همچنان برای هر انسان وطن مطرح است اینست که، چگونه کشور را ازین فلاکت نجات دادوچه نیرو و جریان سیاسی میتواند افغانستان را بسوی یک جامعه پیشرفته رهبری کند؟ "طالبان" و

یا جنگ سالارانی که رهبری تولید و صدور مواد مخدر و قاچاق ثروت‌های ملی، چپاول و اختلاس را رهبری می‌کنند؟.

نهادهای بین‌المللی و رسانه‌های بزرگ خارجی و منطقوی و بانک جهانی، عدم رشد اقتصادی یکسان در افغانستان را ناشی از فساد اداری، عدم امنیت و افزایش مواد مخدر می‌خواند. دولت با خصلت جنگ با "طالبان" و القاعده پا به عرصه وجود گذاشت. گاهی این نبردها شدید و گاهی هم ضعیف بوده است، اما طی این مدت حمایت و مردم از دولت سیر نزولی داشته و این جریان همچنان دوام دارد.

همانطوریکه شاهد بودیم، جمعه خان همدرد والی پکتیا و مشاور دولت کرزی در گفتگویی با پزواک، نظام کنونی را یک نظام شخصی و در اختیار یک تنظیم خوانده، از جامعه جهانی خواست تا در نجات این کشور کمک نمایند. در بسیاری از ولایات کشور، نظام شکل شخصی بخود گرفته، اقتصاد، اردو، پولیس، ملیشه‌های اربکی و همه چیز در اختیار یک قوم و یک تنظیم قرار گرفته و این وضعیت، کشور را به سوی تباهی می‌کشاند و تبعیض‌های قومی را به بار می‌آورد.

موصوف از دولت و جامعه جهانی خواست تا کشور را از این انحصار بیرون نمایند، و جلو اشخاص و گروه‌هایی را بگیرند که نظام را از داخل و به فرمایش بیگانگان تخریب می‌نمایند، و برای آن مشکل ایجاد می‌کنند.

وی گفت- مشکل بزرگ، تشکل تنظیم‌های قومی و سمتی در داخل نظام است، و باید به شکل جدی جلو آن گرفته شود؛ اگر از آن جلوگیری نشود، نه صلح به کشور خواهد آمد و نه هم ملت‌ها با هم متحد خواهند شد. کشور، زمانی می‌تواند پیشرفت نماید و صلح‌هنگامی می‌تواند باز گردد، که یک فرد شمال در پکتیا، پکتیکا، مشرقی، هرات، کندهار و سایر ولایات کشور کار کند و در بین ملت‌ها محبوبیت کسب نماید. در اکثر ولایات، نظام هم‌اکنون به یک گروه یا یک تنظیم مربوط شده است، که این کار بین مردم و دولت فاصله ایجاد خواهد کرد و باید هرچه زودتر از آن جلوگیری شود.

برخی گروه‌ها و افراد قصداً از تامین صلح جلوگیری می‌نمایند و همه روزه در رسانه‌ها علیه صلح شعار می‌دهند. وی افزود که این تعداد مردم، منافع خود را در جنگ می‌بینند؛ به همین دلیل با صلح مخالف‌اند و پشتون‌ها در این مورد با خساره روبرو هستند. در این جنگ اقتصاد ما از بین می‌رود، مردم ما قربانی می‌شوند و خورد و بزرگ ما به قتل می‌رسند. این مردم جنگ را دامن می‌زنند، ولی خود به صد کیلومتری جنگ نیز نزدیک نمی‌شوند. ای کاش این مردم می‌آمدند و در پکتیای بزرگ، کندهار بزرگ، و مشرقی بزرگ علیه مخالفین می‌جنگیدند، بعد اگر علیه صلح صحبت می‌نمودند، شاید شنونده می‌داشتند.

زلمی خلیل زاد افغان آمریکایی و سفیر پیشین آمریکا در کابل در نشریه نشنل انترست میگوید، "طالبان" با ادامه قتل‌های زنجیره ای می خواهند دولت افغانستان و جامعه جهانی را بی اعتماد سازند و نیز یک خلاء قدرت را به میان آورند.

قتل و ترورهای زنجیره ای در افغانستان ادامه دارد. این قتل‌ها با کشته شدن داوود در تخار آغاز شد و به تعقیب آن احمد ولی کرزی برادر رییس جمهور، غلام حیدر حمیدی شهردار قندهار و جان محمد خان والی سابق ارزگان کشته شدند. تلاش قتل چند شخصیت دیگر به شمول رییس جمهور کرزی و والی هلمند گلاب منگل نیز صورت گرفت. سوء قصد علیه رییس جمهور کرزی هنگامی در قندهار انجام شد که یک نفر بمب پنهانی در دستار خود را در مراسم فاتحه خوانی احمد ولی کرزی منفجر ساخت که در نتیجه چندین نفر کشته و زخمی شدند، اما خود رییس جمهور در این مراسم حضور نداشت. اگر چه انگیزه دقیق این قتل‌ها و کسانی که در عقب آن قرار دارند روشن نیست اما انگشت اتهام به سوی "طالبان" متوجه می شود که مسؤلیت این قتلها را بر عهده گرفته اند. . .

"طالبان" احتمالاً دو هدف را در چنین قتل‌ها دنبال می کنند، اول این که با بی ثبات ساختن افغانستان و منطقه می خواهند ناکامی‌های اخیر خود را تلافی کنند و در عین حال سعی دارند شخصیت‌های مؤثر سیاسی را در تمام افغانستان و خصوصاً در جنوب از بین ببرند. وی این قتل‌ها را با در نظر داشت وضعیت کنونی افغانستان یک تهدید جدی پنداشته می گوید که باراک اوباما در سال‌های اول حکومتداری خود در تعامل با رییس جمهور کرزی مرتکب اشتباهات جدی شده و عکس العمل منفی از خود نشان داده است. عجله غیر مترقبه حکومت آمریکا در خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان وضعیت را پیچیده تر ساخت و گفتگوهای همکاری استراتژیک درازمدت میان دو کشور را نیز متوقف نمود.

اکثر افغانان نگرانند که امکان دارد آمریکا بار دیگر افغانستان را چون سال‌های بعد از خروج نیروهای اتحاد شوروی سابق به حال خود تنها رها کند. از سوی دیگر حکومت افغانستان هم با مشکلات متعدد روبروست. مردم افغانستان نمی دانند که حکومت این کشور در مسایل مهم و کلیدی چه راهی اختیار می کند. خلیلزاد در این مورد به جنرال پارلمان و محکمه ویژه و رسوایی کابل بانک افزود که این مسایل هنوز هم لاینحل مانده اند.

کرزی تاکنون نتوانسته است روابطش را با پاکستان بهبود بخشد، زیرا اسلام آباد هنوز هم از هراس افغانان پشتیبانی می کند. از جانب دیگرده سال میشود که سیل کمک‌های سخاوتمندانه روانه افغانستان شده تا حامد کرزی یک بار دیگر بتواند از موقعیت دشوار کنونی عبور کند. اما دولت مردان کشور استعداد چنین کاری رامتاسقانه ندارند. اکنون نگرانی‌های به مراتب بیشتری درباره اوضاع سیاسی وامنیتی ابراز می شود، هر روز خبر از قتل، سرقت و ربودن مردم به گوش می رسد.